

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حمید محوی - پاریس

۱۸ جون ۲۰۱۷

حمله اتمی ایالات متحده به ایران تا دو سال دیگر



برای نخستین بار نیست که نشریات و مقامات رسانه‌ای و سیاسی جهان غرب امپریالیستی ایران را به حمله اتمی تهدید می‌کنند.

روز ۱۳ جون ۲۰۱۷ شش روز پس از حمله تروریستی به مردم ایران توسط پیاده نظام ناتو، سایت اینترنتی سپوتنیک مقاله‌ای منتشر کرد زیر عنوان «دونالد ترامپ طی دو سال آینده روی ایران بمب اتم خواهد انداخت»، «ایران از نظر اقتصادی، نظامی و سیاسی در منگنه قرار دارد» و به نقل از «ایندپندنت» روزنامه صبح بریتانیایی چاپ لندن نوشت که «اگر دونالد ترامپ بمب اتمی روی ایران بیندازد، فقط چند همسایه ایران ممکن است مژده بر هم بزنند و خیلی‌ها در سکوت برای او دست خواهند زد. ایران دوستی ندارد». به باور نویسنده مقاله در ایندپندنت: «نظریات ترامپ در زمینه

تسلیمات هسته‌ئی بیش از هر چیز باعث نگرانی ام می‌شود»، و جمله ترمپ را یادآور می‌شود: «تسلیمات هسته‌ئی چه فایده‌ای دارد اگر از آن استفاده نشود؟ دستان کوچک هم می‌توانند تکه بزرگ قرمز را فشار بدهد» سپس سپوتنیک می‌گوید: «مردم در غرب، گاهی اوقات فراموش می‌کنند که ایران با وجود آن که یک کشور اسلامی است، اما کشور عربی نیست. ایران یک کشور «آریایی» (پارس) است. انزجار اعراب-فارس‌ها به قبل از اسلام می‌رسد. اعراب مصر ستمگری‌های شاهان ایران باستان را به یاد دارند که اینک تقسیم‌بندی دینی-شیعه-سنی نیز به آن اضافه شده است. اگر ترمپ در صدد استفاده از سلاح هسته‌ئی برای از بین بردن امکانات هسته‌ئی ایران برآید، چه زمانی اینکار را انجام خواهد داد؟ بستگی به شرایط دارد. به نظر خبرنگار ایندپندنت، تا دو سال دیگر بمب اتمی ترمپ بر سر ایران خواهد افتاد.»

گمانه‌زنی نویسنده مقاله در ایندپندنت درباره واکنش همسایگان ایران و مردم جهان در صورتی که ایالات متحده علیه ایران دست به حمله اتمی بزند، به ضمانت دروغ رسانه‌های غربی و شست و شوی مغزی ملت‌های غربی و فرادستی ایدئولوژی و سنت استعمار، امپریالیسم، نژادپرستی و طبقاتی از دیر باز بین توده‌های کشورهای استعمارگر و امپریالیستی با تحریف دائمی رویدادهای جهان و خاصه به ضمانت سیاست سپاه نمائی کشورهای مسلمان و یا کشورهایی که به دلیل منابع طبیعی شان هدف کمپانی‌های غربی و کشورهای امپریالیستی قرار می‌گیرند... می‌تواند تا حدود زیادی صحیح باشد. دست کم اذهان عمومی غرب، و طبیعتاً افکار عمومی کشورهای عربی برای بمباران اتمی ایران، به قول نویسنده ایندپندنت «مژه بر هم نخواهند زد».



وقتی ارتش استعمارگر فرانسه طی جنگ استقلال ۱۹۵۶-۱۹۷۱ با سرنیزه سر از بدن مبارزان جنبش مقاومت کامرون جدا می‌کرد از دیدگاه مردم فرانسه حتماً فکر می‌کردند که نظامیان‌شان «کار مفیدی» انجام می‌دهند، دقیقاً مثل امروز که فکر می‌کنند نظامیان‌شان در آفریقا یا در خاورمیانه و افغانستان در حال مبارزه علیه تروریسم هستند تا آنها در امنیت و آسایش زندگی کنند. بی‌گمان امروز کشورهای به اصطلاح متمدن و پیشرفته غربی شهادت انتشار این گونه عکسهای یادگاری از سفرهای «توریستی» به آفریقا را ندارند.



ولی همین کشورهای متمدن همین جنایات را به شکل نیابتی در دومین دهه قرن بیست و یکم در لیبیا، عراق و سوریه مرتکب شدند. بی آن که افغانستان را به حساب بیاوریم که به ملک خصوصی امریکا و اروپا تبدیل شده.



آرشیو المنار ۱۵ اپریل ۲۰۱۳. <http://archive.almanar.com.lb/french/article.php?id=107109>.

این تصویر یکی از مبارزان «ارتش آزاد سوریه» است که مردم فرانسه مثل مردم امریکا و انگلیس و جز اینها به تبعیت از رهبران می خواستند به جای بشار اسد بنشانند تا برایشان گوشت بریان کبابی کند. آیا چنین ملتگاهی برای جامعه بشری خطرناک نیستند؟ با این ملت‌های نازیست و نئو نازیست و فاشیست چه باید کرد؟ طبیعی ست که این ملت‌ها برای قتل عام اتمی ایران «مژه بر هم نخواهند زد». روزنامه نگارانی که از این دژخیمان و بیماران روانی در رسانه های غربی پشتیبانی می کردند و این جانوران وحشی را فرشته نجات بخش بشریت معرفی می کردند، پس از کشتار صدها جوان فرانسوی در پاریس به دست دوستان دولت نژاد پرست و امپریالیست فرانسه، این روزنامه نگاران هنوز به فعالیت حرفه ئی خود ادامه می دهند و هیچ نشریه ای به دلیل تبلیغ برای جنایت علیه بشریت توقیف و محاکمه نشده است.

طی بحران هسته‌ای ایران، دیدیم که حتی روسیه موشکهای دفاع ضد هوایی اس 300 را سالها با نقض قرارداد به ایران تحویل نداد، گرچه این سلاح صرفاً به دفاع هوایی اختصاص دارد. و فقط اخیراً، یعنی در وضعیتی که تقریباً از دور خارج شده آن را به ایران تحویل داد. البته اس 300 تا سالها کاربرد خواهد داشت و مؤثر نیز خواهد بود، ولی همیشه باید پرسید در مقابل کدام تهدید؟ تهدیدهای جدیدتر و مسابقه تسلیحاتی بین ابر قدرتها موجب شد که روسیه اس 300 را ارتقاء دهد و اس 400 را ساخت و سپس اس 500، و این روند ادامه دارد. در حالی که امروز همه می دانیم که کل داستان تحریم و بحران اتمی چیز بیشتری به جز یک بهانه و توطئه برای تضمین فرادستی ایالات متحده در جهان نبوده و نیست. ولی روسیه با آگاهی به چنین توطئه‌ای ارسال اس 300 را حدود ۷ سال به تأخیر انداخت.

تا کنون، فراسوی همه نشریات و تحلیل گران اپوزیسیون خائن و مزدور پنتاگونی -ایرانی در خارج از کشور، در تحلیل های متعدد نشان دادیم که موضوع اصلی نگرانی کشورهای امپریالیستی به رهبری ایالات متحده آمریکا «بمب اتمی» ایران نیست، بلکه بازه زمانی ست که ایران احتمالاً می تواند به امکان و توانائی ساخت بمب اتمی (فرضی) نائل بیاید، و سرانجام نتیجه گرفتیم که «بمب اتمی ایران» صرفاً یک بهانه است، و هدف اصلی که در مگسک کشورهای امپریالیستی دیده می شود: رشد نیروهای مولد و استقلال و تمامیت ارضی ایران است. و احتمالاً برای رفع نگرانی از این بابت بوده که دستگاه دین اسلام و بورژوازی ایران بیش از ۳۱ میلیارد دلار سرمایه های ایران را برای خرید هواپیماهای بوئینگ و ایرباس اختصاص داده است.

پرسشها متعدّداند، اگر مقامات ایرانی از خرید اس 400 امتناع کرده اند، و اگر چنین گذشتی از خرید این سلاح دفاعی پیشرفته تر به دلیل تمایلات استقلال طلبانه ارتش ایران بوده (که البته چنین رویکردی از دیدگاه من کاملاً موجه است) چگونه ممکن است بتوانیم وابستگی ایران به اروپا و آمریکا را در زمینه هواپیماهای مسافربری بپذیریم؟ و آن هم به بهای وارد آوردن ضربه به روند رشد نیروهای مولد ایران. با آگاهی به این امر که خصومت علیه رشد نیروهای مولد و شناخت از عملکردهای حاکمیت دین سالار از آغاز تا امروز بوده، با این حساب که جلوگیری از آن به ضروریات فرادستی های استعمار و امپریالیسم جهانی نیز تبدیل شده است.

تهدیدات اتمی، مثل حاکمیت دین سالار، در حالی که بسیج رشد نیروهای مولد ایران، به ویژه از دیدگاه فرهنگی برای پاسخگویی به تهدیدات، تروریسم و هر گونه مشکل اجتماعی دیگری از اهمیت انکار ناپذیری برخوردار است. زیرا این نیروهای مولد هستند که می توانند احتمالاً پاسخ تهدیدات را تدارک ببینند، و یا پاسخگوی مشکلات متعدد اجتماعی باشند.

با توجه به تهدیدات آشکار اتمی از سوی دشمنان ایران، به باور من، نخستین و مهمترین تحولی که سیر تحولی نیروهای مولد را باید هدایت کند و بدان تحقق ببخشند، تحول در ستراتیژی دین اسلام در ایران است. به این معنا که هر چه زودتر باید فرهنگ صفر قربانی انسانی جایگزین شهادت و مدد غیبی شود. با گزارشات پراکنده ای که من در اینترنت به خواندن آنها نائل آمده ام، خوشبختانه با وجود حاکمیت ایدئولوژی اسلامی، این روند برای جلوگیری از قربانی انسانی در ایران شروع شده است. به سخن دیگر بهترین کارهائی که جمهوری اسلامی و دستگاه دین اسلام انجام می دهد و یا اجباراً به آن تن داده است علیه خودش و به نفع ارتقاء فرهنگی ملت ایران به کار بسته خواهد.

در اینجا اندکی از موضوع مرکزی خارج می شوم، یعنی گمانه زنی ایندپندنت درباره حمله اتمی به ایران تا دو سال دیگر، و توجه داشته باشیم که اصطلاح «تغییر رژیم» یک مسأله امپریالیستی ست برای جایگزین کردن یک رژیم وابسته به جای رژیم مستقل و به این دلیل که گویا دستگاه دین اسلام در ایران به اندازه کافی برای رشد نیروهای مولد مخرب نبوده و به اندازه کافی به نیازهای «جامعه بین الملل» پاسخ نگفته و کفر ورزیده و حکم ارتداد شامل حالش شده

است، و در نتیجه باید «رژیم تغییر» کند، در این راستا و به این علت که احتمالاً با سلاحهای کلاسیک نمی توانند نیروهای دفاعی ایران را به سادگی متقاعد کنند، «جامعه بین الملل» احتمالاً می تواند برای دستیابی به اهدافش راه کار اتمی را برگزیند و ایران ممکن است قطع نسل شود. در نتیجه برای ما ایرانیان که خواهان استقلال و پیشرفت کشورمان هستیم، چنین تغییر رژیمی به هیچ عنوان نمی تواند قابل قبول باشد، بلکه هدف ما تغییر اساسی و بنیادی فرهنگی و اجتماعی و تحول در مناسبات تولیدی ست .

تا وقتی که یک قایق موتوری کشورهای عضو ناتو در خاورمیانه پرسه می زند ما امنیت و آسایش نخواهیم داشت و دائماً باید با تهدیدات تروریستی و اتمی مقابله کنیم .

در این بزنگاه های تاریخی ست که نیروهای پیشگام ایران می توانند نشان دهند که در مقابل چنین تهدیدی از عهده چه کاری بر می آیند . چگونه می خواهند با حمله اتمی مقابله کنند . ما دو سال وقت داریم . شماره معکوس شروع شده است .

پاریس

گاهنامه هنر و مبارزه

۱۷ جون ۲۰۱۷